



## علم ذاتا نه سکولار است نه دینی

حجت الاسلام پارسانیا گفت: علم بر خلاف فرهنگ، مقوله ای عام و جهان شمول است و تعلق به اقلیم خاصی ندارد که بتوان آن را به اقسام شرقی و غربی یا دینی و سکولار تقسیم کرد.

حجت الاسلام پارسانیا گفت: علم بر خلاف فرهنگ، مقوله ای عام و جهان شمول است و تعلق به اقلیم خاصی ندارد که بتوان آن را به اقسام شرقی و غربی یا دینی و سکولار تقسیم کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست «آسیب شناسی علوم اجتماعی اسلامی» با سخنرانی حجت الاسلام پارسانیا روز گذشته در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد.

حجت الاسلام پارسانیا در ابتدای این نشست با دسته بندی نقدهای موجود در مورد علوم انسانی اسلامی گفت: برخی از نقدها معرفتی و برخی اجتماعی است. نقدهای اجتماعی به خود مدعا کاری ندارند بلکه کارکردهای آن را در نظر می گیرند.

وی ادامه داد: هر کدام از این نقدها جایگاه مربوط به خود را دارد. اشکالات می تواند از سنخ اجتماعی و عینی و تاریخی باشد و می تواند صرفاً معرفتی باشد. دیدگاه های مختلفی در مورد اینکه کدام یک از این نقدها مهمتر است، وجود دارد که بحث دیگری را طلب می کند. بنده معتقدم هر دو دسته نقد جایگاه خود را دارد و هیچکدام نمی تواند جای دیگری را بگیرد.

پارسانیا با طرح اولین اشکال در مورد علوم انسانی اسلامی گفت: یک اشکال این است که می گوید به کار بردن لفظ تولید در علوم انسانی، کالانگاری علوم انسانی ناشی می شود، حال آنکه علوم انسانی از سنخ معرفت است و با خط تولید اشیاء و کالاهای مادی تفاوت دارد. در نهایت علوم انسانی و به طور کلی علم تولید شدنی نیست.

وی در پاسخ به این اشکال گفت: اگر ما برای علم ذات قائل نباشیم این نقد وارد نیست اما اگر برای علم ذات قائل شویم علم تولید کردنی نیست بلکه یافتنی است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: اگر برای علم ذاتی قائل باشیم مثل ریاضی و فیزیک و... عالم وقتی به یک حقیقت علمی می رسد نمی تواند بگوید من آن را تولید کردم چون آن قانون همیشه بوده است. بلکه می تواند مانند ارشمیدس بگوید «یافتم».

وی افزود: اما این حقیقتی که ذات خود را دارد در آن زمان از جهان خودش وارد ذهن پژوهشگر می شود و بعد از آنکه وی آن را نوشت و به تعلیم و تعلم راه پیدا کرد وارد فرهنگ و جهان سوم می شود. ورود معرفت به جهان دوم و سوم حاصل تلاش انسان است لذا تولید انسانی است.

پارسانیا گفت: من نمی توانم احکام هندسه را عوض کنم اما می توانم آن را بفهمم و وارد جهان خودم کنم و با او متحد شوم. اتحاد من با او تولید من است و اگر بخواهیم آن را وارد زبان و کتابت کنیم، تولید خواهد بود.

وی ادامه داد: این نگاه دوگانه تولیدی بودن و یا یافتنی بودن علم را حل می کند که ناشی از دوگانه ذات داشتن علم و یا برساخته بودن آن است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: همه علوم از آن جهت که وارد فرهنگ و ذهن انسان می شوند حاصل تلاش و کوشش انسان است اما به لحاظ ذاتی، برساخته نیستند. لفظ تولید را کسی آسیب می داند که برای علم ذات قائل باشد.

وی افزود: روش رسیدن به ذات یک معرفت یک بحث است و روش توزیع آن در جهان سوم بحث دیگری است.

این استاد دانشگاه در مورد اشکال دیگری که مطرح شده گفت: یک اشکال دیگر وجود دارد که می گوید بر خلاف تصور شایع، علوم انسانی غربی، علم محض و دارای خصوصیت عینیت است. به بیان دیگر علم بر خلاف فرهنگ، مقوله ای عام و جهان شمول است و تعلق به اقلیم خاصی ندارد که بتوان آن را به اقسام شرقی و غربی یا دینی و سکولار تقسیم کرد. علوم انسانی از آن جهت که علم است با دین و فلسفه و ایدئولوژی و فرهنگ متفاوت است. پس مخالفت با علوم انسانی غربی بلکه حتی غربی خواندن آن صواب و به جا نیست.

پارسانیا در پاسخ به این اشکال گفت: این اشکال هم مبتنی بر یک مبنای معرفت‌شناسی خاص است. می‌خواهم بگویم این اشکال هم یک اشکال در خلأ نیست، یک اشکالی است که یک عقبه‌ای دارد و می‌توان از آن مبنای پرسش کرد و آن این است که علم ذات دارد، لذا شرقی، غربی، اسلامی و غیر اسلامی ندارد. کسانی که معتقد به اسلامی کردن علوم هستند باید در این معنا که علم ذات دارد با پرسشگر همراه باشند و الا نبود ذات‌باوری با دین‌داری سازگار نیست.

وی ادامه داد: این با دین سازگار نیست که کسی معتقد باشد آنچه در کتاب مقدس او (قرآن) است، این معانی برای خودشان ذات ندارد و ما برای یک سری نیازهای اجتماعی و کارکردهایی که داشته‌اند این معانی را ساخته‌ایم.

این استاد دانشگاه گفت: این اشکال گاهی وسیع تر مطرح می‌شود که عقل یا فلسفه به دینی بودن متصف نمی‌شود. گاهی نیز گفته می‌شود علم به دینی بودن و غیر دینی بودن متصف نمی‌شود بلکه علم و عقل باید غیر دینی و سکولار باشد.

وی افزود: علم بر حسب ذات خودش به دینی بودن یا غیردینی بودن متصف نمی‌شود. ذات علم ارائه حقیقت است و نوری است که می‌خواهد حقیقت را نشان دهد. یعنی عقل و علم بر حسب ذات خودش نه دینی است و نه سکولار. عقل آن قوه‌ای است که می‌خواهد شناخت حقیقت را داشته باشد. علم یعنی همان شناخت حقیقت. حال شناخت حقیقت نه دینی است و نه غیردینی، نه آسیایی است و نه اروپایی است. کسانی که می‌گویند حقیقت علم سکولار است همان‌قدر خطا می‌کنند که حقیقت علم و حقیقت عقل را دینی می‌دانند.

پارسانیا گفت: اما عالم یعنی کسی که به دنبال شناخت است به لحاظ واقع در جهان دوم و در عرصه فرهنگ، گرفتار خطا هم می‌شود. یعنی چیزی که درواقع ما آن را علم می‌نامیم ممکن است علم‌نما باشد. یک فرهنگی ممکن است دچار خطا شود، و یک معرفت عمومی باشد اما معرفتی یقینی نباشد، گمانی باشد.

وی ادامه داد: ما در جهان دوم و جهان سوم، یعنی ذهن افراد و درون فرهنگ با علم ناب مواجه نیستیم، دچار خطا هم می‌شویم. بهترین مثالی که دچار خطا می‌شویم، زمانی است که دچار تناقض می‌شویم. بعد از تناقض‌ها برمی‌گردیم و مجدد ببینیم چرا نتوانستیم به حقیقت برسیم. به بیانی دیگر در جهان واقع آنچه علم گفته می‌شود، الزاماً علم نیست. ممکن است ما با عالمانی مواجه می‌شویم که از جهانی که خبر می‌دهند، یک جهان ماتریالیستی است، علم اینها به دلیل معلوم خودش، متصف به دنیایی بودن و سکولار بودن می‌شود. این منافاتی ندارد با اینکه ما قائل باشیم علم ذات دارد. علم در جهان دوم و سوم گرفتار خطا می‌شود و این گرفتار خطا شدن صحنه تناقضات می‌شود. عده‌ای از یک جهان قدسی سخن می‌گویند و عده‌ای از یک جهان دنیوی سخن می‌گویند.

وی گفت: راه‌های دیگری برای اتصاف علم به غیر دینی یا دینی بودن می‌تواند وجود داشته باشد. ممکن است آئین من توصیه به فراگیری علم خاصی را کند که در این صورت علم به لحاظ تجویزی دینی یا غیردینی خواهد بود. علم به لحاظ موضوع نیز می‌تواند به دینی یا غیر دینی متصف شود.